

از مبانی نظری تا مبانی نظری،
در هنر و معماری

تالیف: ویدا تقوائی
استادیار دانشگاه فنی و حرفه ای

بهار ۱۳۹۴

سرشناسه : تقوائی، ویدا، ۱۳۹۹-
 عنوان و نام پدیدآور : از مبانی تا مبانی نظری، در هنر و معماری / تالیف ویدا تقوائی؛ ویراستار علیرضا استواری.
 مشخصات نشر: تهران: دانشگاه فنی و حرفه‌ای، ۱۳۹۴.
 مشخصات ظاهری : ۲۳۷ص: مصور، جدول، نمودار؛ ۲۱×۱۲ س.م.
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۹۴۱۸۰-۸-۴
 وضعیت فهرست نویسی : فیبا
 یادداشت : واژه‌نامه
 یادداشت : کتابنامه : ص. ۲۰۰-۲۰۸؛ همچنین به صورت زیرنویس.
 یادداشت : نمایه.
 موضوع : معماری
 موضوع : معماری اسلامی
 موضوع : هنر
 شناسه افزوده : دانشگاه فنی و حرفه‌ای
 رده بندی کنگره : ۹۴ / ۴ الف / ۲۵۰۰ NA
 رده بندی دیویی : ۷۰۰ / ۱
 شماره کتابشناسی ملی : ۳۵۰۰۲



عنوان کتاب: از مبانی نظری تا مبانی نظری، در هنر و معماری
 ویراستار: علیرضا استواری
 صفحه آرای: الهه یعقوبی‌نیا
 طراح جلد: حسام میتن
 تاریخ نشر: نوبت اول، بهار ۱۳۹۴
 ناشر: دانشگاه فنی و حرفه‌ای
 شمارگان: ۱۰۰۰ جلد
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۴۱۸۰-۸-۴
 قیمت: ۱۵۰۰۰۰ ریال

حق چاپ و نشر این کتاب متعلق به سازمان زیباسازی شهر تهران بوده و هرگونه کپی یا نقل مطالب بدون اجازه پیگرد قانونی دارد.

در فرهنگ ایرانی-اسلامی، مانند همه فرهنگ‌های شرقی و نامدرن، هنر و معماری را نوشتنی نمی‌دانستند. در آن عالم هنوز به بهانه اومانيسم، به هنرمندان اجازه داده نشده بود، تا هر اندیشه‌ای را، با برچسب احترام به حقوق فردی و دموکراسی اجتماعی، در نموده‌های فرهنگی به منصه ظهور رسانند. لذا در آن دوران به دلیل اتکا به نیروی بیرون از اراده و قدرت انسان، معمار به عنوان عابد سالک و رهگذر در این جهان، ظرف زندگی انسان را هماهنگ با حقایق عالم و نه به منظور خودنمایی، طراحی و اجرا می‌کرد.

امروز طرح سؤالاتی از قبیل اینکه «آیا هنر و معماری اسلامی وجود دارد یا نه؟» و «آیا هنر و معماری تابع نظر است؟» نشان از غیبت جهان عالم و هنری دارد. زیرا اگر حاضر بود تردیدی در وجودش حاصل نمی‌شد. در روند شناسایی هنر و معماری ایران، توجه به برداشت‌های کلی و ساده‌انگارانه و برخاسته از شکل، کاری است که بسیار انجام پذیرفته است. موج این فرهنگ جدید چندان قوی است، که حتی مدعیان دفاع از هنر و معماری خودی را هم به درون می‌کشند. جریان‌های مدافع بازگشت به خویش را در خود محو می‌کند. ولی بررسی زمینه‌های پیدایش معماری در بستر زمان، مکان، آب و فرهنگ خاص خود که ما را به حقایق معماری می‌رساند، کمتر مورد مذاقه قرار گرفته است.

کتاب حاضر، این امر را به عنوان اصل فامان گرفته است که، هنر و معماری یک مکتب و قوم را بی‌آشنایی با مبانی فکری آن مکتب و در همان پهنه سرزمینی‌اش نمی‌توان بازشناخت. اگرچه رویکردی کیفی و کلی در افق نگاه بوده است، حضور و اثر گذاری عوامل و پدیده‌های متقابل نادیده گرفته نشده است. از وجه شاعرانه، حکیمانه و هنری اثر گرفته، وجه انتزاعی، کالبدی و ساختارش، همگی در حد امکان، فرصت و توان نگارنده به غور برده شده است.

از ویژگی‌های مهم این کتاب آن است که اگرچه بر مبانی طراحی تأکید دارد، ولی فصول مختلف آن، گاه به لحاظ نگرش و موضوع و گاه به لحاظ روش، به کار دست اندر داران رشته‌های دیگر هنری نیز می‌آید. زیرا مبانی نظری هنرهای مختلف به عنوان محل‌های تجلی فرهنگ، از یک چشمه بیرون می‌شوند. از مبانی نظری یک رشته، اگر درست انتخاب و بیان شده باشد، می‌توان برای رشته‌های دیگر هنری هم استفاده کرد.

گستره این مبانی، کل عالم شرق و غرب جغرافیایی و از ابتدای تاریخ تا امروز را در بر می‌گیرد. زیرا در بررسی مبانی نظری با تکیه بر منشأ الهی شناخت و نگاه آسمانی، وجود خارجی ایزدها و اشکال عینی و ظاهری در محاق تعلیق قرار می‌گیرد و از آنجا به چیزی روی می‌شود که به ذات و حقیقت امور ناظر و نمایانگر ارزش‌هایی است که در صورت تعمیم، قابلیت جهانی شدن را نیز دارند.

بر این اساس فصول هفت‌گانه کتاب به نظر نگارنده بخشی از مباحث مهم این حوزه است که امیدواریم توسط پژوهشگران دیگر تکمیل شود. این فصول شامل «از چگونگی و چیستی شناخت»، «از نظم تا بی‌نظمی»، «از زیبایی‌شناسی تا جمال‌شناسی»، «از زمان تا سرمد»، «از شکل تا صورت»، «از عملکرد تا نظام فضایی» و «از تعریف تا چیستی معماری» به عنوان سخنی در نتیجه‌گیری کتاب است. فصل آخر به صورت حقایق لازمان و لامکان

معماری و در ارتباط با موارد زمان‌مند و مکان‌مند آن را، نه به شکل دستورالعمل‌هایی که قادر باشیم، به طور سرمایه‌ای مستقیم از آنها بهره‌مند شویم و برای ارتقای فرهنگ امروزمان، بخش‌ها و گوشه‌هایی از آنها را به هنر و معماری‌هایمان الصاق نماییم؛ بلکه به صورت افقی از مادی و ملموس‌ترین تا غیرمادی و غیرملموس‌ترین داشته‌های هنر و معماری؛ که پشتوانه فرهنگی ما را می‌سازند، با مقایسه مبانی نمونه‌های امروزش، از پشت پرده سترگ عالم و تفکر مدرن را، پیش روی آیندگان قرار می‌دهد.

فصول مختلف این کتاب حاصل تحقیقات شش ساله دوره دکتری نگارنده از سال ۱۳۷۸، در رشته معماری دانشگاه تهران، و مجموعه مقالات و پژوهش‌های مختلفی است که از آن تاریخ به قلم نگارنده به طبع رسیده و از آن زمان در کلاس‌های مختلف مبانی نظری هنر و معماری در مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد در دانشگاه‌های مختلف، صیقل خورده و به چالش کشیده شده است.

تا چه در نظر آستان باسراست آن خالق یگانه آید و چه چون حصه‌ای از ادای دین نگارنده مقبول افتد.

ویدا تقوایی

استادیار دانشگاه فنی و حرفه‌ای

تهران - بهار ۱۳۹۴

فهرست مطالب

۱	چکیده
۱۳	سخن آغازین
۱۴	تقریظ
۱۵	دیباچه
۱۹	فصل اول: از چگونگی تا چیستی شناخت
۲۰	مقدمه
۲۱	بخش اول: چگونگی شناخت
۲۱	۱. جایگاه شناخت و لزوم نگرشی به آن
۲۵	بخش دوم: چیستی شناخت
۲۵	۱. چیستی شناخت در گستره فرهنگ فلسفی عرفانی اسلام
۲۸	۲. وجود
۲۸	۱.۲. ارتباط وجود و شناخت در علم و عالم جدید
۲۹	۲.۲. ارتباط وجود و چیستی شناخت در فلسفه و عرفان ادلای
۳۲	۳. عالم و ادراک خیالی
۳۳	۱.۳. واژه شناسی خیال
۳۳	۲.۳. عالم خیال
۳۵	۳.۳. ادراک خیالی
۳۸	۴. شناخت حضوری هنر و معماری، مبتنی بر چیستی آن
۴۲	۵. نتیجه گیری
۴۵	فصل دوم: از نظم تا بی نظمی
۴۶	مقدمه

۴۸	بخش اول: نظم در ادبیات علمی جهان در گذشته‌های دور
۴۸	۱. مروری بر ادبیات نظم در گذشته‌های دور
۵۲	۲. تغییر رویکرد در نگاه به نظم و بی‌نظمی از دوران رنسانس
۵۵	بخش دوم: مبانی نظم و بی‌نظمی در ادبیات علمی جهان در دوران جدید و معماری‌های متکی به آن
۵۵	۱. مبانی نظم و بی‌نظمی مبتنی بر علوم جدید
۵۷	۱.۱. مکانیک کوانتوم؛
۵۷	۲.۱. آشوب؛
۵۷	۳.۱. هندسهٔ فراکتال
۶۰	۴.۱. پیچیدگی؛
۶۰	۵.۱. منطق فازی؛
۶۳	۲. نظم و بی‌نظمی در مبانی نظری معماری‌های جدید
۶۵	۳. مصادیقی از نظم و بی‌نظمی‌های استفاده شده در هنر و معماری‌های جدید
۶۸	بخش سوم: مبانی نظم و بی‌نظمی در ادبیات عرفانی - اسلامی و معماری‌های متکی به آن
۶۹	۱. ارتباط نظم با هندسه
۷۰	۲. ساختار منظم جهان
۷۲	۳. چگونگی‌های تجلی نظم در معنای کلی آن، در عالم و معماری
۷۶	۴. کاربرد نظم و بی‌نظمی در اجزاء آن معماری‌ها
۷۷	۵. نتیجه‌گیری
۸۱	فصل سوم: از زیبایی‌شناسی تا جمال‌شناسی
۸۲	مقدمه
۸۳	بخش اول: زیبایی‌شناسی جدید از منظر ویژگی‌های آن
۸۵	۱. بررسی مفهومی - تاریخی ویژگی‌های زیبایی‌شناسی

۸۸	۲. تأثیر انسان در ویژگی‌های زیبایی‌شناسی و غیر زیبایی‌شناسی
۹۱	۳. ارتباط ویژگی‌های اشیا با یکدیگر
۹۳	۴. نقد زیبایی‌شناسی وابسته به ویژگی‌هایش از نگاه اندیشمندان غربی
۹۶	بخش دوم: مقدماتی در مبادی جمال از منظر عرفانی - اسلامی
۹۶	۱. جمال و زیبایی اساس و جوهر خلقت
۹۸	۲. جمال، حقیقت و وجود
۹۹	۳. معرفت و زیبایی
۱۰۲	۴. زیبایی و مدرک آن
۱۰۴	۵. نتیجه‌گیری
۱۰۷	فصل چهارم: از زمان تا سرمد در انسان و معماری
۱۰۸	مقدمه
۱۰۸	بخش اول: زمان
۱۰۸	۱. زمان از گذشته‌های دور در عالم غرب
۱۱۰	۲. زمان در گستره علوم جدید
۱۱۳	۳. زمان در هنر و معماری مدرن
۱۱۷	بخش دوم: سرمد
۱۱۷	۱. زمان در عالم ایرانی - عرفانی
۱۲۰	۱.۱. انسان و زمان در عالم ایرانی - عرفانی
۱۲۱	۲. هنر، معماری و زمان
۱۲۴	۳. زمان در سایر مظاهر فرهنگی
۱۲۶	۴. نتیجه‌گیری

۱۲۹	فصل پنجم: از شکل تا صورت
۱۳۰	مقدمه
۱۳۱	بخش اول: شکل
۱۳۱	۱. سخنی در تعریف شکل
۱۳۳	۲. چگونگی‌های تدوین شکل
۱۳۶	۱.۲. ساختار
۱۳۹	۲.۲. طبیعت و مح
۱۴۴	۳. شکل در هنر و معماری
۱۴۹	بخش دوم: صورت (فرم)
۱۴۹	۱. صورت (فرم) در فرهنگ‌های لغات
۱۴۹	۲. صورت (فرم) در فلسفه و هنر
۱۵۳	۱.۲. تفاوت صورت و بازنمود
۱۵۵	۳. چستی و چگونگی تجلی صورت در اشکال هنر و معماری
۱۵۷	۴. نتیجه گیری
۱۶۱	فصل ششم: از عملکرد تا نظام فضایی
۱۶۲	مقدمه
۱۶۳	بخش اول: عملکرد
۱۶۵	۱. معنای عملکرد از گذشته تا امروز
۱۶۹	۱.۱. معنای عملکرد در معماری عملکردگرا
۱۶۹	بخش دوم: نظام فضایی معماری ایرانی - اسلامی و ساختار آن
۱۷۲	۱. تجلی نظام فضایی عالم در نظام فضایی معماری ایرانی - اسلامی
۱۷۳	۲. ساختار نظام فضایی در معماری ایرانی - اسلامی

۱۷۳	۱.۲. جهت گیری
۱۷۵	۲.۲. مرکز گرایی
۱۷۸	۳.۲. محوریت عمودی
۱۸۱	۳. انواع نظام فضایی معماری ایرانی- اسلامی
۱۸۱	۱.۳. نظام فضایی سلسله مراتب مفهومی
۱۸۳	۱.۱.۳. نظام فضایی مرکزی
۱۸۵	۲.۱.۳. نظام فضایی محوری
۱۸۷	۴. نتیجه گیری
۱۸۹	فصل هفتم: از تعریف تا چیسستی مسیری (نتیجه گیری کتاب)
۱۹۰	مقدمه
۱۹۱	بخش اول: ملاحظات در تعریف معماری
۱۹۲	۱. مراتب وجودی معماری
۱۹۶	بخش دوم: نگاهی به آینده و تبیین پیآمدهای محتمل در نتیجه گیری های کتاب
۲۰۲	منابع و مأخذ
۲۱۳	واژگان
۲۱۳	۱. فارسی به انگلیسی
۲۲۱	۲. انگلیسی به فارسی
۲۲۹	نمایه

فهرست جدول ها

۴۴	جدول ۱.۱. جمع بندی مقایسه ای میان شناخت حصولی و شناخت حضوری
----	---

سخن آغازین

بارها شنیده و خوانده‌ایم که در دوران معاصر، عالم و آدم جدیدی خلق شد. عالمی گسسته و چند پاره که در آن هنرش نه از چشمه های تربیایی معنوی سیراب می‌شود و نه از آرمانهای فتوت و جوانمردی. امروز تلقی از هنر مبتنی بر ذوق، سلیقه و ابتکار انسان و هنر آفیشنده‌ای است که در پرداختن به هنر به سراغ نقد و نظریه پردازی می‌رود و دستورالعمل و بیانیه صادر می‌کند. در سرتی که عالم پیشین کلی منسجم و یکپارچه بود. شاعر آن همان را می‌سرود که نقاش نقاشش را می‌زد و معمار ظرف زندگی آن را می‌ساخت. هنری که آنرا نتیجه سلوک عملی در رسیدن به حضور می‌دانند. اما چگونه چنان هنری می‌توانست حامل نظریه و مبانی هم باشد؟

هنرمند و معمار گذشته با رهایی از خود و بگانه شدن با کمال مهارت فنی‌اش، خود را کوچکتر از آن می‌دانست که برای هنرش بیانیه و مبانی نظری صادر کند. هنر او مود و معنی معرفت در طی طریقی عارفانه بود که انسان را به درکی از حقیقت می‌رساند. حقیقتی که در هنر و سایر عاقل فرهنگی آن روزگاران متجلی بود. چندان که حضرت مولوی یکی از شاهکاران خلقت، خود را چون "نی" می‌دانست:

ما چو ناییم و نوا در ما زتست ما چو کوهیم و صدا در ما زتست

در صورت آشنایی با مفاهیم آن بیان و زبان، می‌توان به گوشه‌ای از آن حلق از پس اشکالش رسید. در روند شناسایی هنر و معماری ایرانی، توجه به برداشت‌های کلی و برخاسته از شکل ظاهر آن، کاری است که بسیار انجام شده است. ولی بررسی زمینه های پیدایی آن هنر در بستر زمان، مکان و فرهنگ کاری است که کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

کتاب حاضر حاصل تلاش خانم دکتر ویدا تقوایی است، که سعی کرده گوشه‌ای از این حجاب را نامستور ساخته و طالبان آن هنر و معماری را با جمال و کمالش آشنا سازد، باشد که این مسیر پر رهرو گردد.

جمال کامیاب

مدیر عامل سازمان زیباسازی شهر تهران

تقریظ

این همه علم بنای آخور است که عمود بود گاو و اشتر است

مولانا جلال الدین آن دانشی که تعلق به این جهان جهان دارد و ره به هفتم آسمان ندارد را علم بنای آخور می‌خواند.

اکنون چالشی بزرگ در برابر آموزگاران معماری ما است:

آیا دانشی که به شاگردانمان می‌آموزیم همان علم بنای آخور نیست؟

آیا این انسانی که پیوسته از آرماد و بام او معماری می‌کنیم، همان انسان تقدیس‌زدایی شدهٔ رنسانسی نیست؟ امروز آموزش معماری ما افزون بر سیر و توانش، نیازمند بینش است. اندیشیدن در کیستی و چیستی انسان، اندیشیدن در عالم خلقت، اندیشیدن در نقش هنر و معماری در عالم، از بایسته‌های این روزگار است. پیش از این و در روزگار سنت، انسان‌ها در دریای معرفت می‌آمدند، می‌زیستند و می‌رفتند؛ آنچنان که ماهی در آب.

و امروز و در روزگار کثرت، انسان‌های سرگشته هر دم به راهی می‌روند و هر یک به نحله‌ای چنگ می‌زنند؛ همچون غریق در آب.

امروز حتی کسانی که قائل به معرفت و قداست در هنر و معماری هستند، راه و رسم یکسانی ندارند.

گروهی دل به تلفیق سنت و مدرنیته بسته‌اند و جمعی تحت عنوان سنت‌گرایی از مقدس شمردن سقف و کف و دیوار و منار هم ابایی ندارند.

در این میان، هر پژوهشی و هر تلاشی که به روشن کردن و تبیین ابعاد معنوی هنر و معماری بپردازد شایسته تقدیر و ستایش است.

این کتاب که دستاورد پژوهش‌های چندین ساله همکار ارجمند خانم دکتر ویدا توانائی است، با دقت و ظرافت به باز کردن گوشه‌هایی پنهان از این گفتمان می‌پردازد. باشد که این تلاش‌ها ادامه یابد تا در این روزگار بی‌ارزشی ارزش‌ها، مدرسه‌های معماری ما بتوانند علم بنایی شایسته انسان را به شاگردانشان بیاموزند.

عیسی حجت

استاد دانشکدهٔ معماری و شهرسازی

دانشگاه تهران

فروردین ۱۳۹۴

یک - این کتاب به دنبال گشودن دریچه‌ای کوچک از حقایق مبانی نظری هنر و معماری، تا قبل از محدود شدن آن در نگاه انسان مدرن است. مبانی که با انسان و عالم او هم خانه بود و تقرب به راز وجود داشت. مفاهیمی که در منابع و مأخذ دست اول معماری کمتر مکتوب شده‌اند. زیرا در فرهنگ ایرانی - اسلامی، مانند همه فرهنگ‌های شرقی^۱ و نامدرن، هنر و معماری را نوشتنی نمی‌دانستند. در آن عالم، هنوز اومانیزم و انسان‌گرایی مدرن به انسان‌ها اجازه نداده بود تا هر اندیشه‌ای را، با عنوان هنرمند نابغه و فعال‌میشاء در عالم و با برجسب احترام به حقوق فردی و دموکراسی اجتماعی، در نمودهای فرهنگی به منصه ظهور رسانند. لذا در آن دوران به دلیل اتکا به نیروی بیرون از اراده و قدرت انسان، که منطقی‌ترین پیامد آن هم‌آوایی فرهنگی در بخش‌های مختلف جامعه بود؛ شاعر همان را می‌سرود، که نقاش نقش می‌نوشت، خطاط می‌نوشت، مردم کوچه و بازار آنرا زندگی می‌کردند و معمار به‌عنوان عابد سالک و رهگذر در این جهان، ظرف زندگی آنرا طراحی و اجرا می‌کرد. به‌همین دلیل معماران و هنرمندان نیز نیازی به بیان مبانی نظری اثر خود نمی‌دیدند.

امروز طرح سوال‌هایی از قبیل «آیا هنر معماری می‌تواند تابع معرفت و مبانی نظری خاصی باشند؟» و یا «آیا هنر و معماری اسلامی وجود دارد یا نه؟»، نشاء از غیبت چنان عالم و هنری دارد. زیرا اگر حاضر بود، تردیدی در وجودش حاصل نمی‌شد. دوری و غیبت ما از آن عالم سبب شده، برای شناختن حقیقت آن هنر و معماری، که صرفاً به نمودهای ظاهری و عینی محدود نبود و دین که برای مجموعه‌ای از احکام و نواهی شرعی تلقی نمی‌شد، که متدین را مکلف به انجام آنها نماید؛ بلکه آن بود که، متدین را از انچه شرع صرف، به عالم به معارف و عامل به آنها مبدل می‌کرد؛ و هم برای یافتن جایگاه امروزی خویش، به نوشتن مبانی نظری هنر و معماری ایرانی - اسلامی نیازمند باشیم. برای رسیدن به آن مبانی، گریزی جز نزدیکی به مبانی آن فرهنگ نیست. فرهنگی که در آن اصل بر آراستن دل و جان به معارف اخلاقی و دینی بود و در مسیر این تعالی، هنر و حرفه‌ای هم آموزش داده می‌شد. در صورتی که امروزه آموزش نظری هنر و معماری، مبتنی بر آموزش نظریه‌های تجریدی و فکری تاریخ هنراست و به جای تحقیق^۲ در زمینه‌های هنری، بیشتر پژوهش‌های تاریخی و سیر تحول سلیقه‌های هنری^۳ قرار می‌گیرد. در عرصه عملی نیز نمایش گونه‌گونی‌ها، از پس سلیقه و خواست مطلق هنرمند خالق اثر، به عرصه بروز می‌آید. در چنین هنری، حقیقت و ذات متعالی آن، در حجاب کشیده می‌شود.

در صورتی که در هنر و معماری ایرانی - اسلامی هنرمند کاشف اثر بود نه خالق آن؛ و با پالودن دل و آراستن جان به زیور دریافت‌های باطنی، هنر خود را مولود خلاقیت^۴ و ذهن انسانی به شمار نمی‌آورد. چنان که حافظ فرموده:

۱. شرق در این کتاب، به معنای شرق و غرب جغرافیایی و سیاسی نیست؛ بلکه به معنای شرق و منشاء نورانیت وجودی و حقیقی انسان‌هاست. در این معنا بسیاری از غربیان هم شرقی هستند.

۲. تحقیق ریشه در حق و حقیقت دارد و بدنبال رسیدن به اصل وجودی هر پدیده، بیش از رسیدن به آزمایشگاه ذهن شناسای انسان می‌باشد.

۳. البته هر انسانی به واسطه قوه خیالش چیزی را که وجود ندارد، خلق می‌کند؛ ولی هنرمند عارف استند خلق را به خود نمی‌داند و خالق حقیقی را حق تعالی می‌داند. ن. ک. خوارزمی.

تاج الدین حسین، ۱۳۶۲، شرح قصص الحکم، به اهتمام نجیب مایل هروی، ۲ جلد، جلد ۱، تهران، مولی، ص ۲۸۲

در پس آینه طوطی صفتم داشته‌اند آنچه استاد ازل گفت بگو می‌گویم^۱

در روند شناسایی هنر و معماری ایران، توجه به برداشت‌های ساده‌انگاران و برخاسته از شکل، بسیار به چشم می‌خورد. موج این فرهنگ جدید، چندان قوی است که حتی مدعیان دفاع از هنر و معماری خودی را هم به درون می‌کشد و جریان‌های مدافع بازگشت به خویش را در خود محو می‌کند. ولی بررسی زمینه‌های پیدایش معماری در بستر زمان، مکان، ادب و فرهنگ خاص خود که ما را به حقایق معماری می‌رساند، کمتر مورد مذاقه قرار گرفته است. چندان که در زمینه حوزه اسلامی معماری گفته‌اند که: «کتاب یا نوشته‌ای درباره معماری در جهان اسلام در دست نیست که در آن آشکارا از وجوه کیفی معماری سخن گفته باشد.»^۲ پس تحقیق در این وادی امری است که ما سخت از آن غافل و نیک بدان نیازمندیم.

دو- سطور و صفحاتی که در پی می‌آید، این امر را اصل قلمداد کرده است که، معماری یک مکتب و قوم را بی‌آشنایی با مبانی فکر، آن مکتب و در همان پهنه سرزمینی‌اش نمی‌توان بازشناخت. اگر در این کتاب که در زمینه هنر و معماری نگاشته شده، تا به این حد به نگره‌های فلاسفه و عرفا توجه شده، دلیلی ندارد جز اینکه، این نگره‌ها در شکل‌گیری و جهت بخشی به فرهنگ اسلامی و هنر و معماری منبعث از آن، بسیار اهمیت داشته و بر رویکردهایی که به‌شکلی غیرمستقیم در فهم بازار حیات هنر و معماری مؤثر بوده، تأثیر چشمگیری نهاده‌اند. به‌همین دلیل در بررسی‌های انجام گرفته در فصول مختلف کتاب گاهی عطف و توجه به معماری گذشته، هدف مستقیم قرار نگرفته است. زیرا برداشت‌های کاربردی و عملی از منابع دانش و بینش ایرانیانی که چون ماهی غرق در آب حیات بودند و از چیستی آب سوالی نمی‌کردند، فقط به صورت تیرم‌انگیز عملی است.

این نگارنده بی‌آنکه ادعای رسیدن به عمق و دل‌مطالع در این حوزه و آدای دین را داشته باشد، امیدوار است جزو رهروان طریقی باشد، که دیگران با دقت و تأملی بیشتر آن را پی‌خواهند گرفت.

سه- هنرها که هم مؤثر و هم متأثر از فضای فرهنگی جامعه می‌شوند، می‌توانند آینه معانی و مبانی نظری خود باشند. حکمت‌ها و مبانی، به اندازه‌ای که در جامعه مقبول شوند و فضای فرهنگی آنها آکنده سازند، در هنرها نیز نمایانده می‌شوند. البته چنین نبوده که فلاسفه و حکما، دستورالعمل‌هایی صادر کنند و هنرمندان آن دستورها را به‌شکل هنر متبلور سازند. حکمت‌ها اغلب پس از نفوذ در جامعه، رفته رفته به‌تدریج، ارزش و ذوق بدل می‌شدند و آگاهانه یا ناآگاهانه در هنرها به منصه بروز می‌رسیدند. پس برای شناختن مبانی هنر و معماری ایران، باید با زندگی و فرهنگ ایرانی آشنا شد. نه شناختن معارف اسلامی و ایرانی به‌تنهایی، گرچه از کار مبانی نظری هنر و معماری باز می‌کند و نه شناختن چگونگی اشکال و ساخت و ساز آنها. این دو زمانی و تا حدودی به‌کار می‌آیند که بتوان به‌کمک آنها، سیستم فرهنگ و هنر ایرانی و اسلامی را شناخت و باز شناساند.^۳

لذا از آنجا که در این کتاب رویکردی کلی و کیفی در افق نگاه بوده، حضور و اثرگذاری عوامل و پدیده‌های متقابل نادیده گرفته نشده است. از وجه شاعرانه، حکیمانه و هنری اثر گرفته تا وجه انتزاعی، کالبدی، ملموس و ساختاری آن،

۱. حافظ، خواجه شمس‌الدین محمد، ۱۳۶۲، دیوان حافظ، به تصحیح و توضیح پرویز ناتل خانلری، تهران: خوارزمی، غزل ۳۸۰، بیت ۲

۲. هلد، رانا، ۱۳۷۸، «در جست و جوی تعریف هنر معماری در دوره اسلامی» ترجمه فرزین فردانش، مجله رواق، شماره چهار، ص ۲۵

۳. قیومی بیدهندی، مهرداد، ۱۳۸۸، سرآغاز: رشته‌ها و مهره‌های تاریخ هنر گلستان هنر، شماره ۱۶

همگی در حد امکان، فرصت و توان نگارنده به غور برده شده است و نیمه پر و خالی لیوان با هم دیده شده و با تاسی به مولانا گاهی ضد با ضد بیان شده است.

که نظر بر نور بود آنکه به رنگ	ضد به ضد پیدا بود چون روم و زنگ
پس به ضد نور دانستی تو نور	ضد ضد را مینماید در صدور
نور حق را نیست ضدی در وجود	تا به ضد او را توان پیدا نمود ^۱

ولی بنا بر آنچه کربن^۲ آن را تأویل خوانده، سعی شده از مفهوم میدان ادراک و ظواهر گذر کرد و به میدان شهود رسید.^۳ تا ما را با الگوهای نامرئی هستی هم‌آوا کند.

چهار- از ویژگی‌های مهم این کتاب آن است که اگرچه بر مبانی نظری معماری تأکید دارد، ولی فصول مختلف آن، گاه به لحاظ نگرش، رویکرد و موضوع و گاه به لحاظ روش، به کار دست‌اندرکاران دیگر رشته‌های هنری نیز می‌آید؛ زیرا مبانی نظری هنرهای مختلف از یک چشمه سیراب می‌شوند. از مبانی نظری یک رشته اگر درست انتخاب و بیان شده باشد، می‌توان برای رشته‌های دیگر هنری هم استفاده کرد. اصل بر شناخت پیوند میان فرهنگ (مادر) و هنر (فرزندان) است.^۴

پنج- گستره این مبانی، کل عالم شرق و غرب جغرافیایی، از ابتدای تاریخ تا امروز را دربرمی‌گیرد. زیرا در بررسی مبانی نظری با تکیه بر منشأ الهی شناخت و نگه آسمانی، وجود خارجی، اشکال عینی و ظاهری در محاق تعلیق قرار می‌گیرد و از آنجا به چیزی روی می‌شود که به ذات و حقیقت امور ناظر است. تلاطم‌های فکری و عملی، در سطح و رویه حقایق به منصفه ظهور می‌رسند. در این اقیانوس مفاهیم، هر چه بیشتر غور کنیم، کمتر در معرض امواج و طوفان‌های سطحی و شکلی قرار می‌گیریم. لذا شناخت حامل توسط انسان‌هایی از زمان‌ها و مکان‌های دیگر، که به عمق لایه‌های فرهنگی رسوخ کرده باشند، نیز دست یافتنی است. اینکه ایزوتسو^۵ می‌تواند بین لائوتسه^۶، عارف چینی قرن پنجم قبل از میلاد و ابن عربی عارف مسلمان قرن دوازدهم میلادی، با حدود هفده قرن اختلاف زمانی و ادیان متفاوت مقایسه کند و مشترکات اعتقادی بیابد،^۷ به آن دلیل است که حقایق در حصر زمان و مکان قرار نمی‌گیرند. از آنجا که این کتاب نیز به دنبال حقایق و مبانی نظری هنر و معماری رفته، مؤانست و همدلی‌هایی از سایر فرهنگ‌ها و اشخاص رسیده است.

شش- افق دید این کتاب، احیای دنیای به خاک سپرده پیشین و با همت گردآوری از آن نیست. بلکه رسیدن به حقایق و چیستی هنر و معماری و تبیین چگونگی تجلی آنها است. که نمایانگر ارزش‌هایی هستند که در صورت تعمیم قابلیت جهانی شدن را نیز دارند.

۱. مولوی، ۱۳۷۳، مثنوی معنوی، به کوشش ربنولد الین نیکلسون، دفتر اول، تهران، امیرکبیر، ایات ۱۱۳۴ تا ۱۱۳۲.

2. Corbin, Henry (1903-1978)

۳. کربن، هنری، ۱۳۵۴، «خانه کعبه و رازهای معنوی آن از نظر قاضی سعید قمی ۱۱۰۳ هـ ۱۶۹۱ م»، مجله معارف اسلامی، شماره ۲۳، ص ۲۷

۴. قیومی بیده‌ندی، مهرداد، ۱۳۸۸، سرآغاز: رشته‌ها و مهره‌های تاریخ هنر گلستان هنر، شماره ۱۶

5. Izutsu Toshihiko (1914-1993)

6. Lao-Tze

۷. ایزوتسو، توشیهیکو، ۱۳۷۹، صوفیسم و تائوئیسم، ترجمه محمد جواد گوهری، روزنه، تهران

بر این اساس، فصول هفتگانه کتاب حقایق لازمان و لامکان معماری را، نه به صورت دستورالعمل‌هایی که قادر باشیم، به مثابه سرمایه‌ای مستقیم از آنها بهره‌مند شویم و برای ارتقای فرهنگ امروزمان، بخش‌ها و گوشه‌هایی از آنها را به هنر و معماری‌های خود الصاق کنیم؛ بلکه به صورت افقی از مادی و ملموس‌ترین تا غیرمادی و غیرملموس‌ترین داشته‌های هنر و معماری؛ که پشتوانه فرهنگی ما را می‌سازند، با مقایسه مبانی و نمونه‌های زمان‌مند و مکان‌مند امروزی آنها، از پشت پرده سترگ عالم و تفکر مدرن، پیش روی آیندگان قرار می‌دهد.

هفت- فصول مختلف این کتاب، حاصل تحقیقات شش ساله دوره دکتری نگارنده از سال ۱۳۷۸ در رشته معماری دانشگاه تهران و مجموعه مقالات و پژوهش‌های مختلفی است که از آن تاریخ به قلم نگارنده به طبع رسیده و در مجلات مختلف علمی- پژوهشی چاپ شده و طی حدود ده سال در کلاس‌های مختلف مبانی نظری هنر و معماری در مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد در دانشگاه‌های مختلف صیقل خورده و به چالش کشیده شده است.

برای به پایان رساندن این نوشتار سپاس نخست من از اوست، که خواست و توان انجام این تحقیق را فراهم ساخت. اما به راستی طی طریق در این مسیر بدون همراهی‌ها و حمایت‌های خانواده عزیزم ممکن نبود. لذا قدردان پشتیبانی‌های آنان در همه سختی‌ها و مصائب سال‌های طولانی تحقیق می‌باشم. نیز در این مسیر خود را مدیون همه استادانم در پردیس هنرهای زیبای دانشگاه تهران، که با ارتزاق از محضر وجودشان بهره‌ها بردم و نیز همکاران و دانشجویانم می‌دانم. بزرگوارانی که چه با راهنمایی‌ها و چه با طرح سوالات چالش‌برانگیز ذهن و فکر نگارنده این سطور را آموزش، تذکر و پالایش دادند.

گرچه سپاس همیشگی‌ام از آن اساتید گرانقدر، همان رساله دکتری خود، آقایان دکتر داراب دیبا، دکتر مهدی حجت و دکتر شهرام پازوکی است، که چراغ راهم در این مسیر بودند؛ اما نگارنده خود را قدردان سایر اساتید آن دوره (به ترتیب حروف الفبا): آقایان دکتر علیرضا عینی‌فر، دکتر محمدمنصور فلامکی و دکتر محمود گلابچی می‌داند؛ سپاس بی‌دریغ من از استاد گرانمایه دکتر عیسی حجت است که، فقط در زبان، بلکه در منش و رفتار و حضور یکرنگ، چگونگی گام نهادن در این وادی را به من آموختند؛ نیز مراتب امتنان خود را از آقایان دکتر عبدالحسین ابراهیمی‌دینانی، دکتر هادی ندیمی، دکتر عبدالحمید نقره‌کار و دکتر مراد قیومی‌بیدهندی، استادان دانایی که از حضور در کلاس‌های درس و نوشته‌هایشان بهره‌های فراوان بردم، ابراز می‌کنم. همچنین از دوست عزیزم خانم دکتر نیرطهوری که با بهره‌گیری از حضور غنی و پربار و نوشته‌های پرمحتوایشان به من آرامش و ختم، قدر دانی می‌نمایم. از معاونت محترم پژوهشی دانشگاه فنی و حرفه‌ای و همه عوامل و همکاران در نشر آن دانشگاه و مدیر عامل محترم سازمان زیباسازی شهر تهران و مدیران دفتر نشر آن سازمان که در چاپ کتاب یاریم کردند، سپاسگزارم. تا چه در نظر آستان با کرامت آن خالق یگانه آید و چه چون حصه‌ای از ادای دین نگارنده مقبول افتد، شاید که راه‌نمایانند به این کمترین را بپذیرد و راهی به آستان بلندش گشاید.

ستایش در آغاز و انجام از اوست

ویدا تقوایی

تهران- بهار ۱۳۹۴